

## تاریخ قلعه رودخان

هوشنگ عباسی

قلعه رودخان از عجایب معماری و از بناهای باستانی گیلان است. دژ قلعه رودخان معروف به قلعه حسامی و یا به قولی قلعه صلصال و به روایتی سکسار است. باورهای مردم درباره‌ی این دژ با افسانه‌ها و داستان‌هایی توأم است و سابقه‌ی آن را به بیش از دو هزار سال می‌رسانند. قدیمی‌ترین منبعی که از قلعه رودخان نام می‌برد، کتاب تاریخ گیلان است که تألیف عبدالفتاح فومنی گیلانی مورخ قرن نهم هجری است. او در گزارش خود از حوادث دوران، از قلعه رودخان نیز نام می‌برد. عبدالفتاح فومنی در این باره می‌نویسد: «روز پنجشنبه بیست و نهم تیرماه تقویم، هشتم شهر جمادی الاخر سنه اثنی و الف، علی خان در مابین گشت رودخان که به شایقال کول موسوم است، به مقتضای مصراع: جریده رو که گذرگاه عافیت تنگ است، بالشکریان خود وداع نمود، به رفاقت کامران و چند نفر دیگر از خاصان و مقربان از راه گشت رودخان به طرف کوهات تنبان و ماکلوان روانه گشت و روز چهارشنبه چهاردهم شهر مذکور فرهادخان از کوچصفهان داخل رشت شده، روز شنبه هفدهم، به اتفاق عساکر و اکابر لاهیجان و جمعی از اعیان بیه پس که به جهت حفظ جان از علی جان متنفر و متوحش شده



بودند، از رشت روانه ی قومن شدند و نماز عصر روز مذکور به علی آباد رسیدند. میر حاکم - سپه سالار شفت - با جمعی از سپاه و لنام به راه قلعه رودخان روان شدند، و امیر خواند طلش نیز با اقوام و بنی اعمام به راه گشت رودخان، ایلغار نمودند...» (عبدالفتاح فومن، ۱۳۴۹، ۱۵۱)

وی در جایی دیگر از آن کتاب اشاره می کند، «ملازمان میر عباس سلطان چپک، به عبدالغفور بیگ - مصنف لاهیجان - که در فتوات خان احمد خان، در خدمت علی خان می بود و فی الواقع جوانی بود که به حلیه ی صورت و معنی آراسته و در علم موسیقی و مصنفی ماهر و مشهور بود و با تقارن غازی رستمداری که او نیز جوان و صبی مردانه بود، به جنگل سمارکوه برخورد، بعد از ستیز و آویزه بر آن دو جوان غریب ایفا نکرده هر دو را به قتل آورده، سر ایشان را به اردوی فرهادخان آورد، فرهاد خان از قتل آن بیچاره متاثر شده، به غایت آزرده خاطر گشت و روز دیگر ملازمان حسین خان که پسران امیره سالار و بنی اعمام حسین خان بودند و مدتی بود که از مشارالیها متوهم گشته به خدمت علی خان، محال از برو خسرو آباد را به تیول ایشان داده مراعات می نمود...» (عبدالفتاح فومن، ۱۳۴۹، ۲۲۹)

### موقعیت جغرافیایی قلعه رودخان

دژ قلعه رودخان بر فراز تپه ای در فاصله ی ۲۵ کیلومتری جنوب غربی شهر فومن قرار دارد. آبادی قلعه رودخان در دل جنگل با مختصات جغرافیایی ۲۹ درجه و ۲۱ دقیقه طول جغرافیایی شرقی و در ۳۷ درجه و ۷ دقیقه عرض جغرافیایی شمالی واقع شده است. (انار نامه ی استان ۱۳۷۸، ۵۰)

این دژ از جنوب به رشته کوه های تالش (البرز غربی) محدود می شود و ارتفاع آن از سطح دریا ۶۸۰ متر است. دو قلعه به ارتفاع ۷۱۵ و ۶۷۰ متر سراسر آن را احاطه کرده است و مساحت تقریبی آن ۵ هکتار است.

دژ قلعه به وسیله ی ۴۲ برج و باروی مستحکم به طول ۵۵۰ متر محصور شده است. برای رسیدن به قلعه باید پس از عبور از شهر فومن به سمت جنوب رفت و پس از این که روستاهای گشت، کردمحل، گشت رودخان، سپاه کش، گوراب پس، مولسکام، سیدآباد و روستای حیدرآلات پشت سر گذاشته شد، در پنج کیلومتری روستای حیدرآلات به قلعه رودخان رسید.

۵. ل. رابینو گیلان شناس اروپایی درباره ی روستای قلعه رودخان می نویسد:

قلعه رودخان در پای کوه ها، در مرز شفت و جنوب

غربی فومن قرار دارد. قلعه رودخان کاخی داشته است که امروزه نیز درباره ی آن سخن می گویند. بیلای های قلعه رودخان عبارت است از برنه خاتی bamuxani و دوزین = دوزدین - dozdbon) میانه سایه - آبتان و آبدیز قلعه رودخان (رایتر ۱۳۵۷، ۱۹۰)

خودزکو می گوید، خرابه ها و آثار قدیمی در گیل فومن بیش از سایر نقاط گیلان وجود دارد. در تپه های این ناحیه آثاری از دهکده های قدیمی دیده می شود. از جمله این آثار به قلعه رودخان بر می خوریم که شامل تمام قلعه های مجاور قسمت علیای رودخانه است. دیوارهای این قلعه از آجر و سنگ است و دو برج استوار برای دفاع در ورودی آن بنا شده است.

سنگ نوشته ای در آنجا وجود دارد که نشان می دهد، این قلعه اولین بار در سال ۹۱۸ هجری قلعه حسامی نامیده شده است (۱۳ - ۱۵۱۲ میلادی) تا ۹۱۲ (۱۵۱۵-۱۶) و به فرمان سلطان حسام الدین امیر دیاج بن امیر علاء الدین اسحقی مرمت شده است. این سنگ نوشته از کمال الدین محمد گیلانی است. منظومه آن از خان احمد شیروانی و نثر آن اثر ابن حسین الخراسانی است. هنگامی که هدایت خان بر ضد کریم خان زند شورش کرد آنجا را تعمیر کرد و در آنجا اسلحه و مهمات قرار داد (رایتر ۱۳۵۷، ۱۸۷)

جهانگیر سرتیپ پور پژوهشگر گیلان شناس درباره قلعه رودخان می نویسد: «نام دهی از دهستان مرکزی شهرستان فومن است که در گذشته به میزان قابل ملاحظه ای توت کاری برای فلات نوغان داشت. نام این دیه از قلعه ای گرفته شده است که در پای ارتفاعات جنوب غربی فومن ایجاد شده است و در کنارش رودخانه ای جاری است که نام آن هم از قلعه گرفته شده و قلعه رودخان می نامند.» (سرتیپ پور، ۱۳۷۰، ۳۹۱)

محمدعلی گیلک در پایان کتاب شیخ زاهد گیلانی فهرستی از نام های جغرافیایی گیلان را آورده است و در زیر گرگان رود نوشته است:

«در قریه قلعه بین، قلعه ای است به نام صفاری» (محمد علی گیلک، ۱۳۴۳، ۱۱)

در فرهنگ جغرافیایی ارتش در این باره چنین آمده است: «قلعه خرابه ای به نام قلعه صلصال در قلعه بین وجود دارد که دهکده ای از دهستان لیسار هره دشت، در بخش مرکزی شهرستان طوالش است و در هجده کیلومتری شمال هشتر و دو کیلومتری غرب راه آستارا به پهلوی (انزلی) قرار دارد.»

دکتر منوچهر ستوده پژوهنده ی دانشمند درباره ی عظمت این قلعه می نویسد:

«دژی که به نام قلعه رودخان خوانده می شود،





سومین بنا از بناهای عجیب هفتگانه گیلان است. نگارنده که دژهای زیادی را دیده و مطالعه کرده است تاکنون دژی به این عظمت و استحکام ندیده است.

شاید بتوان این دژ را یکی از دژهای عجیب ایران دانست. تنها دژی که می‌تواند با آن برابری کند، قلعه‌ی استخر (اصطخر) فارس است. دژهای خراسان و الموت و رودبار و تارم زنجان در مقابل این دژ بسیار کوچک و ناچیزند.

با این که قلعه رودخان مدت‌ها تحت سلطنت و مرکز حکمرانی حکام گیلان بیه پس بوده است، در متون تاریخی و جغرافیایی از این قلعه نامی به میان نیامده است. (منوچهر ستوده، ۱۳۷۲، ۱۵۸)

«مردم اطراف نیز این قلعه را از صلصال می‌دانند. بسیاری از قلعه‌های کوهستانی منسوب به این مرد ناشناخته و شخصیت غیرتاریخی است.» (منوچهر ستوده، از آستارا تا استراباد جلد اول، ۱۳۲۹، ۲۳) «با این که قلعه رودخان مدت‌ها تحت سلطنت و مرکز حکمرانی حکام گیلان بیه پس، بوده است، در متون تاریخی و جغرافیایی موجود، از آن قلعه نامی به میان نیامده است. تنها عبدالفتاح یک بار از کوه قلعه رودخان یاد می‌کند و می‌نویسد: «امیره شاهرخ و کامیاب، پسران امیره سالار و بنی اعمام حسین خان بودند به دستور حسن خان کهدمی در کوه قلعه رودخان کشته شدند.» (منوچهر ستوده ۱۳۷۲، ۱۵۷ جلد اول)

نویسنده کتاب «سرزمین و مردم قومنا» یادآور می‌شود:

«با این که از ساخت و سنگ بنای اولیه‌ی این قلعه، بیش از هزار سال می‌گذرد ولی تا این زمان، از تاریخ ساخت بنا و دیگر موارد آن اطلاع صحیحی در دست نیست. چه، تنها چیزی که می‌توانست ما را به رسیدن به جواب‌هایی در این زمینه یاری دهد، طبق گفته‌های آگاهان محل، کتیبه‌ای بود که تاریخ دقیق ساخت قلعه و دیگر اطلاعات در آن نقل شده بود که متأسفانه امروزه اثری از آن کتیبه سنگی با خط کوفی در دست نیست. در متون تاریخی نیز تا قبل از قرن دهم هجری نامی از این قلعه برده نشده است. (کیوان پندی ۱۳۸۲، ۲۲۳)

عظمت و اعجاب‌انگیز بودن این دژ باعث شده، بسیاری از پژوهندگان معماری ساخت آن را به دوران پیش از اسلام و حتی دوره اشکانی نسبت دهند.

نویسنده کتاب «هزار سال اسلام در نواحی شمال ایران» در این باره می‌نویسد:

«دژ عظیمی در دل جنگل قرار دارد که بی‌گمان از دژهای پیش از اسلام است. می‌دانیم فومن تختگاه

شماری از سپهبدان طبرستان و گیلان به نام «ابویهیان» بوده است که سردودمان آنها گیل پسر گیلانشاه بود. به یقین می‌توان گفت: مرکز فرمانروایی آنها، همین دژ بوده است.

«این دژ در زمان سلاطین اسحاقیه که در بیه پس حکومت می‌کردند، مرکز حکومت شناخته می‌شد. (محمد مهدی شجاعی شفیعی، تهران ۱۳۷۷، ۱۶۹) پژوهشگری بدون ذکر مآخذ می‌نویسد:

«قلعه رودخان نمونه‌ای زنده و باقی از مبارزات و هویت خلق گیل و دیلم است که با قدمتی بیش از دو هزار سال در غرب گیلان سر بر آسمان این خطه بر افراشته بود. به قولی از دژهای نادر سرزمین ایران است که چندان خالی از لطف نیست. گذشته‌ی این بنای استثنایی گیلان سمبل استقامت و پایداری دوران گذشته مردم گیلان است.» (محمدحسن واله، دوره دوم سال اول شماره ۲ (دلمون))

علی عبدلی پژوهنده تالش درباره‌ی بنای قلعه رودخان می‌نویسد:

«روی آوردن کادوس‌ها به ساسانیان باید پس از برخوردهایی که با شاهپور داشتند، صورت گرفته باشد. به نظر می‌رسد، در این زمان دژ گشت یا قلعه رودخان فعلی واقع در حومه‌ی فومن (پومن، و هومنه) به یک مرکز مهم سیاسی - نظامی کادوس‌ها تبدیل شده بود. این محل که در غرب سفیدرود و در مجاورت سرزمین آمادها و گلان قرار داشت، در زمان اشک سوم، اهمیت سوق الجیشی خود را بازیافت و پارتمی‌ها برای این که بتوانند از نزدیک بر این سرزمین سرکشی و نظارت داشته باشند، آن جا را به صورت مقری نظامی در آوردند.

دژ گشت معروف به قلعه رودخان باید یادگاری از آن زمان باشد. این دژ که هنوز مورد مطالعه‌ی علمی قرار نگرفته است، پیوسته در دست حکام اسحاقی بود که نسبت خود را طبق شجره‌نامه به شاهپور ساسانی می‌رساندند.

این فصل ناخوانده‌ای از تاریخ کادوسی‌ها است که بی‌تردید اسرار فراوان در خود دارد.» (علی عبدلی - تاریخ کادوس ما، ۱۳۷۸، ۱۶۹)

این پژوهنده تاریخ محلی تالش بدون ذکر منابع و مآخذ، تاریخ قلعه رودخان را به کادوسی‌ها و عصر ساسانیان نسبت می‌دهد. می‌توان گفت، این نتیجه‌گیری تنها بر اساس شجره‌نامه‌ی غیر واقعی اسحاقیان به ساسانیان به دست آمده است.

گرچه این دیدگاه‌ها پایه و مبنای علمی ندارد و



رودخان می ریزد و آب این رود نسبتاً زیاد است و با باران مختصری چندین برابر می شود این آب مانع حرکت سربازانی می شد که به طرف این قلعه می رفتند، زیرا مجبور می ریزد، چندین بار این رودخانه را قطع کنند.

جنگل های انبوه قدیم نیز مانع دیگری برای حمله مردان جنگی بوده است، به همین دلیل این دژ، در دوران آبادانی ممتد خود کمتر مورد حمله متجاوزین قرار گرفت. «دکتر منوچهر ستوده، از آستارا تا استرآباد جلد اول (۱۳۲۹، ۱۵۸)

### چگونگی و طرز ساخت قلعه

دکتر منوچهر ستوده درباره ی معماری قلعه رودخان می نویسد: «در ورودی یا دروازه قلعه شمالی است و دو طرف دروازه دو برج عظیم توپر ساخته شده است که ورودی هایی دارد ارتفاع هر ورودی از کف بام ۶/۵ متر و ارتفاع میان هلال اتاق از کف ورودی ۳/۵۰ متر است.

پس از در ورودی اصلی قلعه به، دیوار جنوبی نزدیک می شویم که بیست متر از در دوم فاصله دارد، بعد از ورودی، هشتی بزرگی ساخته شده است و پس از هشتی حیاط قلعه قرار دارد.

به نظر می رسد این دو ورودی درهایی محکم و استوار داشته است. سمت راست حیاط یعنی در سمت غرب اتاق های متعدد خرابی وجود دارد. پس از آن

درستی آن جای سوال دارد اما می توان گفت ریشه در بومی گرایی نویسندگان آن دارد.

علی عبدلی بر اساس این باور می نویسد: «در هر حال قلعه ی رودخان با همه ویژگی ها و قدمتش اثری از تمدن کادوسی است که می تواند در بررسی احوال آن قوم به عنوان سندی عینی بسیار سودمند باشد. زیرا در اواخر دوره ی ساسانیان، به مرکز اصلی حکومت کادوسیه ی جنوبی و حتی گلابه تبدیل شده بود و ادامه ی تاریخ کادوس ها به مرکز نقل خود در این ناحیه پیوند می خورد» (علی عبدلی، تاریخ کادوس ها، ۱۳۷۸، ۱۷۱)

### معماری قلعه رودخان

مصالح اصلی قلعه از آجر و سنگ لاشه و ملات آهک و ساروج تشکیل شده است و به روایتی در معماری آن از سفیده تخم مرغ نیز استفاده شده است اما چگونه آن حجم عظیم ساختمان با چند هزار سفیده تخم مرغ آمیخته شده است، جای سوال دارد.

### گزینش مکان سوق الجیشی

دکتر منوچهر ستوده درباره ی انتخاب مکان قلعه می نویسد:

«این دژ بالای برآمدگی سوم رشته کوه های جنوبی فومن و سمت چپ قلعه رودخان بنا شده است. ارتفاع آن از سطح شهر رشت ۶۸۰ متر است. در شمال این برآمدگی، رود کوچکی جاری است که آب آن به قلعه



چشمه آبی جاری است که منبع اصلی آب قلعه محسوب می‌شد. معروف است این آب را با گنگ (تنبوشه) از ییلاق زرد خونی (بکسردال) می‌آوردند. پس از گذشتن از این چشمه با پیمودن فاصله زیادی به بنایی عظیم و مدور بر می‌خوریم که در گذشته دو طبقه بود. طبقه‌ی زیرین آن تونلی دارد که به خارج می‌رود. گفته می‌شود، این سمج قرارگاه قلعه بود و به دهکده‌ی شانشین در تارم کنار سفید رود راه دارد.

در ادامه راه، دیوار جنوبی در سمت چپ قرار می‌گیرد و سمت راست آن بناهای متعددی به چشم می‌خورد. پس از دوست متر به قسمت شاه نشین می‌رسیم که در انتهای غربی قلعه، دو طبقه و با آجر بنا شده است. پس از بالا رفتن از پنجاه پله وارد شاه نشین می‌شویم. دیوار غربی شاه نشین همان دیوار غربی قلعه محسوب می‌شود.

طبقه زیرین شامل راهروی است که به اتاق آجری هلالی شکل در شمال می‌رسد. از وسط این راهرو به سمت شرق راهروی دیگری است که به اتاقی شیب دار با پله‌های متعدد می‌رسد و ما را به دو اتاق طبقه زیرین می‌برد. راهرو شمالی - جنوبی است و دو طرف آن، پلکانی است که اتاق‌های طبقه بالا را به پائین مرتبط می‌کند. طبقه‌ی بالا شامل سه اتاق است. غیر از سقف اتاق وسطی که خراب شده است و مشرف به دو اتاق دیگر است، باقی قسمت‌ها یعنی دیوار سقف و پلکان

بنا کاملاً برجاست.

اگر پس از وارد شدن به ورودی اصلی قلعه به طرف شرق برویم، دیوار جنوبی سمت راست قرار می‌گیرد. سمت چپ آثار بناهای مخروبه پیدا است. پس از صد و پنجاه متر به سردری می‌رسیم که بالای آن اتاق‌هایی ساخته شده است. در این جا دو دیوار جنوبی و شمالی خیلی به یکدیگر نزدیک می‌شوند پس از عبور از زیر این سردر و طی صد و پنجاه متر به بناهای قسمت شرقی می‌رسیم که بسیار در هم ریخته است.

در دیوار شمالی و جنوبی در فواصل نامنظم، برج‌هایی قرار دارد که بالای آنها، اتاق‌هایی هشت ضلعی از آجر ساخته شده و تا امروز تقریباً تمام آنها سالم باقی مانده است. آبریزگاه‌هایی برای پاسبانان و نگهبانان نیز ساخته شده است. تعداد این آبریزگاه‌ها در دیوار جنوبی بیشتر است. تقریباً تمام برج‌های قلعه در بیرون از سنگ تراشیده شده است و ارتفاع آنها بیش از ده متر است. «دکتر منوچهر ستوده، از آستارا تا استرآباد جلد اول ۱۳۲۹، ۱۶۰»

### نوع مصالح

در کتاب ارزشمند «از آستارا تا استرآباد» درباره‌ی نوع مصالح قلعه آمده است:  
«میلیون‌ها آجر در این قلعه بکار رفته است، بدون شک آجرها در جلگه گیلان در محلی که خاک مناسب



داشته است، پخته شده و سپس به آنجا آورده شده اند. ابعاد و قطر این آجرها از قرار زیر است:  
۲۰ × ۲۳ × ۲۳۵ میلی متر و ۲۱ × ۲۱ × ۲۱۰ میلی متر و ۲۰ × ۲۰ × ۲۰۰ میلی متر.

طول این قلعه در حدود پانصد متر و عرض آن در نقاط مختلف فرق می کند. عظمت این قلعه به قدری است که بیشتر به شهری آباد شباهت دارد. نگارنده که پیش از بیست قلعه از قلعه های انگلستان را از نزدیک دیده است، این قلعه را بزرگتر و مستحکم تر از همه آنها می داند.

بسیار عجیب است که پس از انداختن درختان جنگلی که خود عامل بسیار موثری در تخریب بناهای باستانی گیلان است، این قلعه را تعمیر و مرمت کنند و راهی برای ورود به آن بسازند تا جهانگردان بتوانند یکی از بناهای عجیب ایران را از نزدیک مشاهده کنند. دکتر متوجه ستوده از اسرارنا سترا یاد جلد اول، ۱۳۷۲، ۱۶۱.

پژوهنده ای درباره معماری و چگونگی ساخت قلعه و مصالح آن می نویسد:

«در ساختمان این قلعه، میلیون ها آجر و همچنین سنگ لاشه تراش خورده با ملاحظ آهک و ساروج بکار رفته است که گویای هنر سازندگان آن روزگار است. مصالح از راه کوهستانی بسیار صعب العبور، تا پای کوه آورده شده اند. بی شک آجرها در جلگه و محلی که خاک مناسب داشته، پخته شده اند.

دروازه های ورودی در ضلع شمالی ساخته شده است. آب انبار و سردخانه در بخش غربی وجود دارند. مقر حکمران یا شاه نشین در منتهی البه بخش غربی دیده می شود. پله های سنگی، اتاق های محل اسکان افسران ارشد، راهروها، فراول خانه ها، مزغل ها، تونل، برج ها و باروها در این قلعه، گویای شکوفایی این منطقه و موقعیت ممتاز آن در روزگاران گذشته است و نشانه آن است که این قلعه در زمان خود بتواند یک دژ حکومتی - نظامی مهم محسوب می شد و مدت ها مقر سلطنت و مرکز حکمرانی بسیاری از پادشاهان و حکام گیلان به شمرده می شد و در طول حیات خود چندین بار مرمت و بازسازی شد. (کیوان پندی، ۱۳۸۲، ۲۳۸)

### کتیبه در ورودی و نوشته ی روی پایه ی ستونی

خودزکو گیلان شناس اروپایی از کتیبه ای یاد کرده است که بر بالای در ورودی قلعه حک شده بود. به گواهی دکتر متوجه ستوده که سال ۱۳۲۹ از قلعه دیدن

کرده است، یادآور می شود: «کتیبه بر جای خود نیست.» وی درباره ی نوشته ای که روی پایه ستون جلو در ورودی به چشم می خورد، می نویسد:

«جلو در ورودی قلعه، پایه ستونی از سنگ سفید وجود دارد که طول فعلی آن ۷۷ سانتی متر و عرض آن ۳۳ سانتی متر است. طول پایه ی آن نیز ۳۵ سانتی متر و عرض آن ۲۵ سانتی متر است.

این عبارات به خط خوش نستعلیق بر آن حک شده است.

علاء الدین اسحقی خلد ملکه و سلطانه در تاریخ ثمان عشر و تسعمایه این قلعه ی مبارکه را که مسمی به قلعه ی حسامی است و هرگز درجه ی تعمیر نیافته ... ۹۱۸ دانا چون دهر دشمن خوی هرزه جوی ... خویش اظهار کند و عهد ... باقی مطالب آن فرسوده شده و از میان رفته است.

کتیبه ای که خودزکو از آن یاد کرده است، امروز بر بالای در ورودی به چشم نمی خورد. راهنمایان اظهار کردند: «مردی هندی این سنگ را از محل خود کنده و به پایین انداخته است. دیگران نیز شکسته و پاره های آن را به دره ی مقابل در ورودی انداخته اند، مدت ها در میان درختان و علف های جنگلی جستجو کردیم و پاره های آن را نیافتیم.» (دکتر متوجه ستوده، از اسرارنا سترا یاد جلد اول، ۱۳۷۲، ۱۶۱)

زنده یاد کریم کشاورز نویسنده و مترجم فرهیخته کتیب «گیلان» در باره ی دژ قلعه رودخان می نویسد: «چند ویرانه در فومن وجود دارد که از گذشته ی پر حادثه آن سامان حکایت می کنند. از آن جمله است، دژ یا کاخ «قلعه رودخان» که بر بلندایی در کنار مسیر علیایی رود قلعه رودخان قرار دارد.

سنگی که بر بالای دروازه قلعه نصب شده، حاکی از این است که کاخ مزبور به قلعه حسام موسوم بود و از ۹۱۸ تا ۹۲۱ ه. به فرمان سلطان حسام الدین بن امیر دو باج بن امیر علا الدین اسحقی مرمت شده است. نوشته ی مزبور توسط کمال الدین محمد گیلانی انشاء اشعار آن از خان احمد شیروانی و خط آن عمل ابن الحسین خراسانی است. چند برج و بنای ویران دیگر نیز از قبیل ویرانه ی کاخی در «الله دادکوه» و بنای چارگوشی بین گوراب پس و خسرو آباد وجود دارد که مردم محل آن را مطبخ قلعه رودخان می خوانند.

مناره ای نیز در گلاوند رود از نواح گشت رودخان کاخ «سلسله جادو» در مناره بازار - بر سر راه گسکر ویرانه برجی وجود دارد که می گویند، «چلگوش



چمنی» آن را بنا کرده است.

قلعه رودخان و قلعه سمیرن در کنار سفید رود (در طارم) دو ویرانه ای هستند که از گذشته‌ی تاریخی گیلان باقی مانده و باد و باران و هوای مرطوب و حوادث روزگار این آثار را هنوز نابود نساخته است.

(کریم کشاورز، ۱۳۵۶، ۹۱)

یکی از باستان شناسان درباره ی قلعه رودخان می‌نویسد:

«این قلعه مهم تاریخی که مدت ها تختگاه و مرکز حکمرانی حکام گیلان (بیه پس) بوده، در ستیغ کوهی مرتفع بنا شده است. این کوه در بخش علیای رودی به همین نام و در ۱۶ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان فومن واقع شده است.

قلعه رودخان دژی است، بس مستحکم و بزرگ که مساحت آن بالغ بر ۵ هکتار است. مشاهده ی این قلعه هر بیننده ای را به حیرت وا می دارد به طوری که از خود می پرسد، چگونه سازندگان هنرمند آن توانسته‌اند، مصالح مورد نیاز را از راه کوهستانی بسیار صعب العبور به بلندای کوه برسانند و دژی این گونه رفیع و مستحکم در ارتفاعی دور از دسترس بنا کنند؟»

این باستان شناس درباره ی مصالح بنا و ساختمان دژ می نویسد:

«بنا کلاً از سنگ و آجر شکل گرفته است، در

بخش‌های آسیب پذیر و نقاط حساس سنگ با ملاط ساروج به کار رفته اما در بیشتر اتاق‌ها، برج‌ها و سقف‌های گنبدی شکل آن از آجر و گچ استفاده شده است. ابعاد آجرها عموماً ۲۳ x ۲۱ سانتی متر و قطر آنها ۴ تا ۵ سانتی متر است.

با توجه به پستی و بلندی طبیعی کوهستان ارتفاع دیوارها متفاوت و از ۳ تا ۱۰ متر است. در نقاط نفوذپذیر قلعه، دیوار و باروها قطر و ارتفاع بیشتری دارند. تنها ورودی قلعه در بخش شمال شرقی قرار دارد که دارای دو برج دفاعی مستحکم است. قسمت ورودی اتاق جناغی و دارای گنبد کاسه ای شکل است.

چون این قلعه در اصل دژ شهر بود، در آن تاسیسات شهری مورد نیاز تعبیه شده بود طوری که در مواقع اضطراری، چندین هزار نفر می توانستند برای مدتی نسبتاً طولانی در آن زندگی کنند.

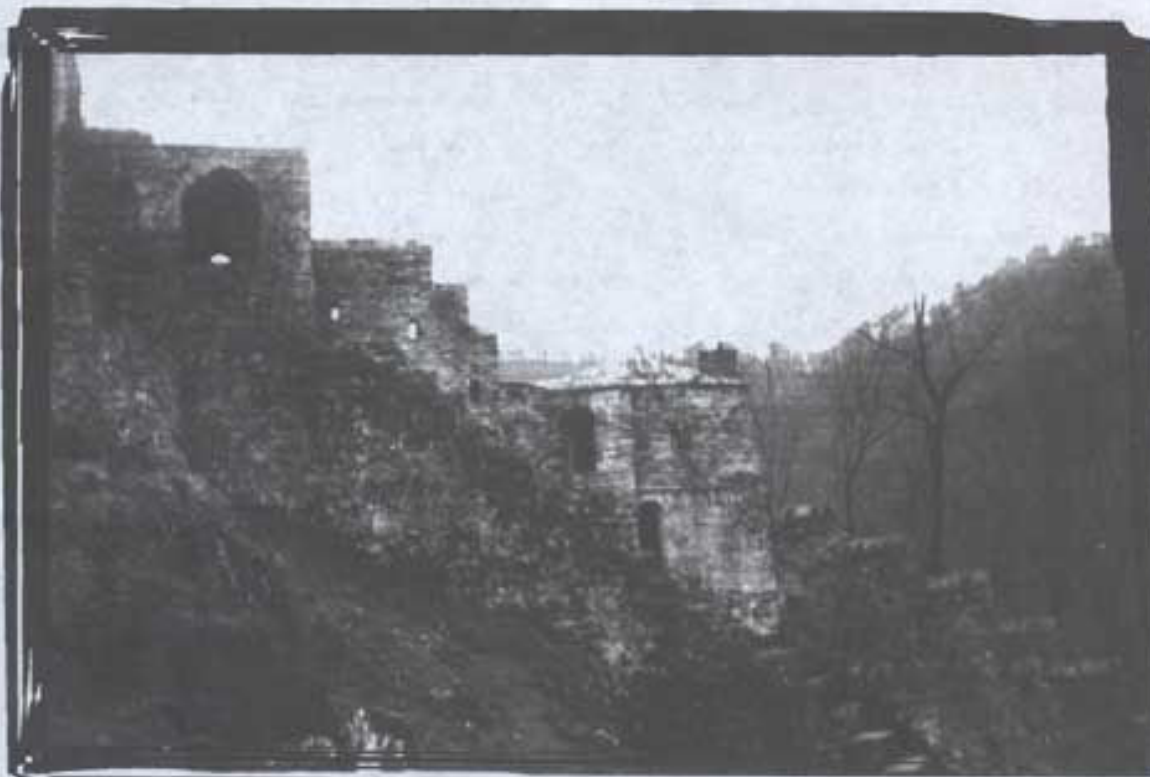
در داخل قلعه آبی جریان دارد که در تمام فصول سال جاری است. احتمال داده می شود که این آب را به وسیله ی کانال و تنبوشه به داخل قلعه هدایت کرده باشند. گذشت زمان، رویدن بوته ها و درختان متعدد در پیکر قلعه که ریشه آنها تا عمق دیوارهای قلعه ی نفوذ کرده موجبات تخریب تدریجی این بنای مهم تاریخی را فراهم کرده است. ولی خوشبختانه می توان آن را از سالم ترین و سرپاترین قلعه های ایران دانست.

با توجه به متون تاریخی که به این اثر اشاراتی دارند



فرهنگ گیلان  
شماره ۲۵ و ۲۶  
بهار و تابستان ۸۵

۷۴





و نیز ساختار و مصالح به کار رفته در آن و پاره‌ای شواهد باستان‌شناسی می‌باید آن را یکی از مراکز و قلعه های اسماعیلیان دانست. برخی از صاحب نظران بر این گمانند بنیاد قلعه رودخان از دوره‌ی ساسانیان است و در طول تاریخ مرمت شده، مورد استفاده قرار گرفته است.

قلعه رودخان به علت ارزش و اهمیت آن با شماره ۳/۱۵۶۷ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. (سید محمود موسوی، ۱۳۸۰، ۵۲۸)

## مطالعات اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان

مطالعات اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان زمان ساخت قلعه رودخان را به دوره‌ی ساسانیان نسبت می‌دهد. برای شناسایی و گمانه زنی، گروه‌هایی از طرف اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان مامور تحقیق شده‌اند که صدر کارشناس باستان‌شناسی اداره میراث فرهنگی استان اولین مطالعات را انجام داده است. سپس در سال ۱۳۸۴ گروهی به سرپرستی شهرام رامین کارشناس باستان‌شناسی میراث فرهنگی گیلان به محل رفته‌اند، در مورد آثار و نشانه‌های قلعه رودخان مطالعه کنند.

نتیجه بررسی‌ها و حفاری‌های رامین هنوز منتشر نشده است و امکان دسترسی به آن میسر نیست اما مطالعات قبلی اداره کل میراث فرهنگی استان، این قلعه را نشانه‌ای از قدرت در سکوت مرموز جنگل و بازمانده از دوران پیش از اسلام می‌داند.

در مطالعات اداره کل میراث فرهنگی آمده است: «این قلعه در ۱۳ کیلومتری جنوب شرقی فومن و در دل جنگل‌های انبوه مناطق کوهستانی جای دارد، این قلعه که به سکار و قلعه‌ی حسامی نیز شهرت دارد، از بزرگترین و با عظمت‌ترین دژهای نظامی گیلان و حتی ایران به شمار می‌آید و مساحت آن بالغ بر ۵۰ هزار متر مربع است. این قلعه در ارتفاع ۶۰۰ متری و در بلندترین نقطه کوه قرار دارد.

با توجه به خاک‌برداری محوطه داخلی و بررسی بی بنا احتمالاً این دژ به عصر ساسانی تعلق دارد و در زمان حکومت سلاجقه تجدید بنا شده است. از این رو قلعه رودخان را از قلعه‌های اسماعیلیه به حساب می‌آورند. توجه به اینکه شهر فومن دورانی طولانی مرکز حکومت گیلان بیه پس از خاندان اسحاقوند بوده است، اهمیت این قلعه را بیشتر می‌کند. قلعه رودخان از دو بخش تشکیل شده است:

۱- ارگ یا محل اسکان حاکم و خانواده او، ارگ یا شاه نشین قلعه که دو طبقه و از آجر ساخته شده است و در قسمت غربی این بنا قرار دارد. قلعه دارای دو ارگ و ۱۶ قراول‌خانه است.

قراول‌خانه‌ها دو طبقه‌اند و با نورگیر و روزن‌های متعدد بر محیط اطراف احاطه دارند.

ورودی قلعه در سمت شمال جای دارد و در دو طرف آن دو برج عظیم سنگی دیده می‌شود. در گذشته، چشمه‌ی آبی داخل قلعه جاری بود که از آب آن استفاده می‌شد. این چشمه پس از زلزله‌ی سال ۱۳۶۹ گیلان خشک شد.

۲- قسمت نظامی یا قورخانه، در قسمت شرقی قلعه رودخان بناهای مخروطی‌ای وجود دارد. در قسمت شمال و جنوب دیوارهای محصورکننده‌ی قلعه، برج‌های نگهبانی در فواصل مختلف به چشم می‌خورد. اتاق‌های هشت ضلعی که از آجر ساخته شده‌اند، هنوز بر فراز برج‌ها دیده می‌شوند.

دیوارهای قلعه حدود ۴۰ برج دیده‌بانی دارد. در این دیوارهای قطور منافذ و ترکش‌هایی برای ریختن مواد مذاب و تیراندازی نیز تعبیه شده است. از وجوه جالب توجه در معماری قلعه رودخان کاربرد تاق‌های جناقی و انواع مختلف آن و نیز طرح‌های آجرکاری و سنگ چینی است که نشان از دقت نظر سازندگان آن دارد.

سازندگان قلعه کاملاً از اصول پیشرفته علمی دفاع و حصاربندی آگاه بودند به همین دلیل این قلعه طی قرون متمادی هرگز در برابر تهاجم و یورش دشمن سر تسلیم فرود نیاورد و نشانی از تخریب انسانی و حریق در آن به چشم نمی‌خورد.

امروزه قسمت عمده‌ای از بنا زیر قشری از پیچک‌ها پنهان شده و قلعه در حاله‌ای رمز‌آلود در دل جنگل سبز غنوده است. «معاونت فرهنگی و معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۰، ۱۳۹»



فرهنگ گیلان  
شماره ۲۵ و ۲۶  
بهار و تابستان ۸۵





تاکنون اطلاعات دقیق و جامعی از چگونگی ساخت و سابقه و تمدن ساکنان آن بدست نیامده است، شاید با حفاری گروه‌های باستان‌شناسی، گمانه زنی‌های کارشناسان و کشف ابزار و وسایل قدیمی بتوان نتایج جدیدی به دست آورد.

### منابع و ماخذ

- ۱- آمارنامه استان گیلان - رشت - سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان ۱۳۸۰
- ۲- بندی، کیوان - سرزمین و مردم فومنات - رشت - حق شناس ۱۳۸۲
- ۳- خودزکو، الکساندر - سرزمین گیلان - ترجمه سیروس سهامی - تهران - پیام - ۱۳۵۶
- ۴- رایینو، ل. - ولایات دارالعمرو ایران - گیلان، ترجمه ی جعفر خمایی زاده، رشت، طاعتی ۱۳۵۷
- ۵- سرتیپ پور، جهانگیر - نامها و نامدارهای گیلان، رشت، گیلکان، ۱۳۷۰
- ۶- ستوده، دکتر منوچهر - از آستارا تا استرآباد جلد اول - تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۲ چاپ دوم
- ۷- شجاع شفیعی، محمد مهدی - تاریخ هزار ساله اسلام در نواحی شمال ایران، تهران، اشاره ۱۳۷۷
- ۸- عبدلی، علی - تاریخ کادوس ها - تهران - فکر روز ۱۳۷۸
- ۹- فومنی گیلانی، عبدالقضاخ - تاریخ گیلان به تصحیح دکتر منوچهر ستوده - تهران بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۲۹
- ۱۰- کشاورز، کریم - گیلان، تهران - شرکت سهامی کتابهای جیبی ۲۵۳۶
- ۱۱- گیلکی، محمد علی، شیخ زاهد گیلان، تهران، چاپخانه ملی ایران، ۱۳۳۳
- ۱۲- معاونت معرفی و آموزش میراث فرهنگی - سیمای میراث فرهنگی گیلان - تهران - اداره کل انتشارات ۱۳۸۰
- ۱۳- موسوی، سید محمود - بناهای تاریخی گیلان - کتاب گیلان به کوشش ابراهیم اصلاح عربانی تهران - گروه پژوهشگران ایران - تهران ۱۳۸۰ (چاپ دوم)
- ۱۴- واله، محمد حسن - قلعه رودخان - نشریه دامون - دوره دوم سال اول - شماره ۱۲ - ۱۳۵۸

### باورداشت‌های مردم درباره بانی قلعه

باورداشت‌های مردم اطراف و حاشیه قلعه حکایت‌گر این امر است که دو برادر به نام‌های صلصال (سلسال) و سگسار این بنا را ساخته‌اند. به همین جهت نام قلعه را سگسار یا سگسال گذاشته‌اند.

یک پژوهشگر محلی در این باره می‌نویسد: «آن‌چه سینه به سینه به ما رسیده و امروزه نیز برخی از کهن سالان اظهار می‌دارند و ظاهر آمنتند هم نیست بیانگر آن است که ساخت این قلعه منسوب به شخصی یا (به قولی دو برادر بوده که از آنها به نام‌های صلصال (سلسال)، سگ سار، سگسال و صد سال یاد می‌شود. (به گمان این که ساخت قلعه ۱۰۰ سال طول کشیده شده است.)

شخص یاد شده که به اعتقاد بسیاری از محققین گیلانی، شخصیتی افسانه‌ای و غیرتاریخی است، پادشاه و به قولی پهلوانی بود که در دوره‌ی سلجوقیان یا ساسانیان و پیش از آن در این قلعه فرمانروایی داشته است. در جریان تجدید بنای بقعه پیرجلودار فومن، لوح سنگی بسیار قدیمی از دل زمین به دست آمد که واژه «سلسال» در آن حک شده بود.» (کیوان بندی، ۱۳۸۲، ۲۲۶)

به باوری زیر این قلعه تونلی حفر شده که تا کوه‌های منجیل و گیلوان ادامه داشت.

برخی دیگر حتی ساخت بنای آن را به دوره‌ی کاس‌ها و کادوسی‌ها در عصر باستان می‌رسانند؛ گرچه نمی‌توان به این روایت‌ها استناد کرد اما مجموعه‌ی این اطلاعات بیانگر عظمت و جلال این دژ است.